بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ الصَّلَاةُ عَلى‏ سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّيِّبِينَ الطّاهِرینَ

بحث این جلسه در مورد نظریۀ مرحوم محقق بزرگوار حضرت آیت الله العظمی سید عبدالأعلی سبزواری رضوان الله تعالی علیه است. ایشان به ولایت فقیه به شکل اوسع ابوابش قائل است حتی می‌توان گفت که دایرۀ ولایتی را که ایشان در عصر غیبت قائل است اوسع از آن چیزی است که حضرت امام خمینی رحمه الله علیه قائل است. تا آنجایی که ایشان جهاد ابتدایی را بر فقیه واجب می‌داند. البته در صورتی که بسط ید و قدرت برای او فراهم شود.

ایشان قائل به این است که کبرای ولایت فقیه هیچ‌گاه مورد اختلاف نبوده است و همۀ فقها قائل به ولایت مطلقۀ فقیه بوده‌اند و اگر هم بحث و خلافی بوده در صغری آن بوده است یعنی در اصل اینکه در دوران غیبت فقیه جامع‌الشرایط دارای ولایت مطلقه است ثابت است و همان ولایتی را که امام دارد او هم دارد، در اصل این کبری بین فقها هیچ بحثی وجود ندارد، آن چیزی که مورد بحث آنها است این است که چنین فقیهی که جامع‌الشرایط باشد در کجا پیدا می‌شود. والا در اصل اینکه اگر یک فقیه جامع‌الشرایطی پیدا شد همان اختیارات امام را در عصر غیبت در اختیار خواهد داشت و این مسئله مورد اختلاف نیست. ایشان در ادامه می‌فرماید که برخی از متأخرین و متأخر از آنها تشکیکاتی در اطلاقات انجام داده‌اند. -تشکیکاتی که به وجود آمده است از متأخرین است، زیرا برای فقهای متقدم قبل از دورۀ متأخر متأخرین ثابت است که در غیبت کبری همان اختیاراتی را که امام معصوم دارد فقیه هم دارد. ایشان در کتاب مکاسب از مهذب الاحکام می‌فرماید: «لا ريب في ان للفقيه الجامع للشرائط منصب الفتوى فيما يحتاج‌ إليه العامي، و منصب فصل الخصومة بما يراه حقا في المرافعات» تا ایجا بحثی نیست. بعد ادامه می‌دهند تا آنجا که می‌فرمایند: «و الدليل عليه- مضافا إلى ما تعرضنا له من الأخبار في الاجتهاد و التقليد و القضاء- ما ارتكز في الأذهان من الرجوع إلى أهل الخبرة، و لا ريب في انه من أهل الخبرة و لذا لا اختصاص لثبوت المنصبين بعلماء دين الإسلام، بل هما ثابتتان لعلماء جميع الأديان عند المتدينين بها، لما مر من الارتكاز في نفوسهم و حكم فطرتهم بذلك.» نزاع صغروی است که آیا فقیه جامع‌الشرایطی که بتواند کار معصوم را انجا دهد، پیدا می‌شود یا خیر. « وهل يثبت للفقيه الجامع للشرائط ما ثبت للمعصوم عليه السّلام من الولاية على المسلمين في جميع ما له دخل في شؤونهم الإسلامية مما تقدم التعرض لبعضه، أو ليس له إلا منصبي الإفتاء و القضاء؟ قولان و الظاهر ان هذه النزاع على طوله و تفصيله صغروي لا ان يكون كبرويا كما يظهر من أدلة الطرفين و النقض و الإبرام الوارد منهم في البين، لأن المراد بالفقيه الذي يكون مورد البحث في المقام من استجمع ما ذكرناه من الصفات في كتاب الجهاد، و ما سنشير إلى بعضها في كتاب القضاء، فإذا وجد من اتصف بتلك الصفات تنطبق عليه الولاية المطلقة قهرا شاء أو لم يشاء.» اگر فقیه جامع‌الشرایطی وجود داشته باشد چه بخواهد و چه نخواهد ولایت مطلقه خواهد داشت. «و بعبارة أخرى لو تحقق ما تقدم من الصفات في شخص يصير كأنه الإمام عليه السّلام بعد استقرار إمامته الظاهرية» امام در دوران استقرار حکومت ظاهری خود مانند امیرالمؤمنین علیه السلام چه اختیاراتی دارد، فقیه جامع الشرایط هم در دوران غیبت همان اختیارات را خواهد داشت. «و بعبارة أخرى لو تحقق ما تقدم من الصفات في شخص يصير كأنه الإمام عليه السّلام بعد استقرار إمامته الظاهرية، و لا يكفى تحقق بعض ما سبق من الصفات لثبوت مثل هذا الولاية فلمجموعها من حيث المجموع دخل في تحققها. نعم، مع وجود بعضها و تيسر الأسباب يجوز له التصدي فيما تيسر، بل قد يجب ذلك و لكن لا ربط له بالولاية المطلقة التي هي مورد البحث، فجواز التصدي أو وجوبه أعم مما يبحث عنه في المقام». اگر فقیه برخی از این صفات و نه همۀ آنها را داشت، در آنچه که می‌تواند، متصدی شود باید بر عهده بگیرد، منتها این کار دیگر از باب ولایت نیست بلکه از باب حسبه و از باب من یجوز له تصرف است. جواز تصدی و وجوب آن حتی اگر ولایت مطلقه ثابت نشود از باب حسبه ثابت می‌شود، بنا بر آنچه قبلا ًدر کلام سایر فقها به آن اشاره کردیم. این مطلبی بود که در مکاسب به آن پرداخته است. این مطلب در کتاب مهذب الاحکام جلد 16 صفحه 364 بود.

در کتاب الجهاد اشاره شده است به آن شرایط فقیه جامع‌الشرایطی که این ولایت مطلقه را دارد و این ولایت مطلقه قهراً بر او وارد خواهد شد. ایشان بعد از اینکه تأکید می‌کنند که جهاد ابتدایی هم برای فقیه مبسوط الید ثابت است و اگر فقیه مبسوط الید قدرت داشت باید جهاد ابتدایی هم انجام دهد، می‌فرمایند: «ثمَّ إنّ الشرائط المعتبرة في النائب في عصر الغيبة للوجوب العيني للجهاد كثيرة نشير إلى أهمّها في المقام و سيأتي بعضها الآخر في كتاب القضاء عند البحث عمّا يعتبر في نائب الغيبة عند استيلائه على الأمر و هي أمور» شرط اول این فقیه جامع الشرایطی که ولایت مطلقۀ معصوم برای او ثابت است این است که مبسوط الید بوده و قدرت داشته باشند. آنگاه چنین فقیهی باید جهاد ابتدایی هم انجام دهد. آن فقیهی که ولایت مطلقه داشته و جهاد ابتدایی هم بر او واجب می‌شود فقیهی است که بسط ید داشته و طبق شرایط متعارف امکان پیروزی بر او حاصل باشد تا جهاد ابتدایی بر او واجب باشد. «الأول: بسط يده من كل جهة و توفر موجبات الغلبة لديه بحسب الاطمينانات المتعارفة، فلو فرض عدم البسط، أم عدم توفر موجبات الغلبة على الكفار سقط الوجوب.» اگر موجبات پیروزی فراهم نبود و بسط ید وجود داشت اما موجبات امکان پیروزی بر او فراهم نبود از او ساقط خواهد شد.

شرط دوم؛ «الثاني: إحاطته بالفقه تماما من كل حيثية و جهة علما و عملا بحيث يكون مرآة واقعية للشريعة المقدسة من جميع الجهات.» این فقیه هم باید علم کامل به فقه داشته باشد و هم عمل هم کرده باشد. فقیهی که می‌خواهد ولایت مطلقه داشته باشد باید آیینه شریعت باشد؛ هر رفتاری که می‌کند و هر گفتاری که انجام می‌دهد نشان دهندۀ شریعت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم باشد.

شرط سوم؛ «الثالث: حسن الإدارة و كفايته بعقل سليم مطبوع و تجربي واسع لتنظيم الأمور-كليا و جزئيا- و تدبير الحوادث الواقعة بتطبيقها على الأحكام الإلهية، و يكون مأنوسا بما جرت عليه عادة اللّه تعالى مع أنبيائه و أوليائه في خصوصيات الغلبة على الأعداء و كيفية المعاشرة معهم.» باید مدیر باشد و همچنین باید کفایت و حسن اداره داشته باشد –همان چیزی که ما در قانون اساسی از آن به مدیر و مدبر بودن تعبیر می‌شود- همچنین باید هم عقل طبعی او سالم باشد و هم عقل تجربی خوبی داشته باشد. یعنی تجربۀ مدیریتی و سیاسی او در حد کافی داشته باشد و بتواند حوادثی که اتفاق می‌افتد را منطبق با احکام شرع کند؛ پس هم باید حکم شرع را بشناسد و هم توان تشخیص مورد انطباق حکم را داشته باشد. یک نکته جالب هم می‌فرمایند: آن فقیهی که می‌خواهد ولایت داشته باشد باید با سنت‌های الهی که خداوند برای انبیا و اولیا اجرا کرده و مقرر فرموده است آشنا باشد. برای مثال خداوند فرموده است «كَتَبَ اللّٰهُ لَأَغْلِبَنَّ أَنَا وَ رُسُلِي إِنَّ اللّٰهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ» بداند که خداوند متعال وعدۀ غلبه داده است پس سست نشود.

شرط چهارم: «و هو الأهمّ- انسلاخه عن الماديات بتمام معنى الانسلاخ و علوّ همته من كل جهة، و كثرة اهتمامه بالدّين و أهله و جهده في الورع و التقوى و أن يكون متنزّها عن الصّفات الرذيلة بل المكروهة- عند الناس- و عدم توهم الاعتلاء في نفسه على أحد، و كثرة مواظبته على العبادة مع الخلوص- كالتهجد في الليل، و المداومة على النوافل- ليأخذ اللّه تعالى بيده كما في بعض الروايات، و يلهمه بما هو صلاح النوع». این فقیه نباید اهل دنیا بوده و از دنیا دل‌کنده باشد، همت او هم باید بر این باشد. به دین و اهل دین اهتمام بورزد و برای او مهم باشد که دین در چه وضعی قرار داد. در تقوا و ورع اهل جدیت و تلاش باشد. خصلت‌های بد نداشته باشد؛ نه تنها باید از صفات رذیله مبرا باشد بلکه باید از برخی از صفاتی که مردم آنها را نمی‌پسندند هم به دور باشد -همان چیزی که ما می‌گوییم خلاف مروت است- خود را از کسی برتر نشمارد. اهل مواظبت و عبادت و اهل نوافل باشد تا خداوند از او دستگیری کرده و او را یاری کند. ایشان به همین شکل ادامه می‌دهد. این مطلب در مهذب الاحکام جلد 15 صحفه 86 است.

پس طبق فرمایش ایشان کسی که این صفات را داشته باشد همان مقاماتی را که برای ائمه ثابت است برای او هم ثابت است.

یک نکته اینکه هر کاری که شارع آن را واجب دانسته و شخصی هم برای آن کار معین نشده باشد، در اینجا قدر متیقن از کسی که بخواهد در آنجا کار کند فقیهی است که عادل باشد که این غیر از مسئلۀ ولایت است و همان چیزی است که از باب امور حسبیه ثابت خواهد شد. برای مثال در یک جایی یتیمی است که سرپرستی نداشته و اموالی هم دارد. حال چه کسی باید این اموال را مدیریت کند؟ قدر متیقن است از کسی که یجوز له مدیریت و نظارت بر این یتیم فقیه است. یا غائبی است که رفته و اموال او بدون سرپرست مانده است، اموال او را چه کسی باید سرپرستی کند؟ در اینجا قدر متیقن است از کسی که یجوز له سرپرستی او باشد فقیه عادل است. این موضوع از باب ولایت مطلقه نیست بلکه از باب امور حسبیه است. یعنی اگر قائل به ولایت برای فقیه نباشیم ناچار هستیم که خیلی از امور را از باب امور حسبیه بر عهده بگیریم. لذا مسائل حکومتی هم از باب امور حسبیه است و اگر ما قائل به ولایت نشدیم باید انجام دهیم. پس عملاً باید اختیارات حکومتی را ولو از باب امور حسبیه به فقیه داد، منتها یک تفاوت‌های جزئی دارند که قبلاً اشاره شد.

وصلی الله علی سیدنا محمد و آله و سلم